

بازارهای جهانی در وضعیت هشدار

سیگنال ریزش شاخص وارن بافت

نویید اسودی
تخلیگر بازارهای مالی

یکی از شناخته‌شده‌ترین ابزارهای سنجش وضعیت ارزش‌گذاری بازار سهام آمریکا، شاخصی است که در میان تحلیلگران و اقتصاددانان به نام «شاخص وارن بافت» شناخته می‌شود. این شاخص از نسبت ارزش کل بازار سهام ایالات متحده به تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشور به‌دست می‌آید و معمولاً به‌عنوان معیاری برای بررسی جذاب‌های احتمالی در بازار سهام مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وارن بافت، سرمایه‌گذار افسانه‌ای آمریکایی، در سال‌های گذشته بارها تأکید کرده‌که این شاخص یکی از بهترین ابزارهای ارزیابی وضعیت بازار در اوقات بلندمدت است. به‌زعم او، زمانی‌که این نسبت در محدوده‌های بالاتر از میانگین تاریخی قرار می‌گیرد، باید منتظر یک اصلاح یا ریزش جدی در بازار بود.

■ ■ ■

بررسی داده‌های تاریخی این شاخص چه می‌گوید؟
در طول هفتادسال گذشته، هرگاه این شاخص از محدوده‌های متعارف تاریخی عبور

کرده، به‌طور میانگین پس از مدتی بازار سهام آمریکا وارد دوره‌های رکود یا اصلاح سسگین شده است. برای نمونه، در بحران دات‌کام (سال ۲۰۰۰) این شاخص به محدوده ۱۳۰ درصدرسبیده. در بحران مالی سال۲۰۰۸ هم همین روند تکرار شد. در دوران کرونا، به‌دلیل ورود تقلیدنگی بی‌سابقه‌وسیاست‌های انبساطی دولت آمریکا، این نسبت به‌سقف تاریخی ۱۵۱ درصدرسید؛ عددی که در تاریخ بی‌سابقه‌بود. امروز نیز مجدداً این شاخص در محدوده ۱۲۹ درصد نوسان می‌کند که همچنان بالاتر از میانگین های بلندمدت تاریخی است.

به‌عبارت‌ساده، این اعداد نشان می‌دهند که ارزش بازار سهام آمریکا همچنان با اقتصاد واقعی این کشور هم‌راستا نیست و احتمالاً در وضعیت بیش ارزش‌گذاری قرار دارد.

آیا اصلاح جدید در راه است؟

باید تأکید کرد که این شاخص به‌تنهایی نمی‌تواند زمان دقیق اصلاح بازار را پیش‌بینی کند. تاریخ بارها ثابت کرده که بازارها تا زمانی که یک اتفاق کلیدی یا شوک بزرگ اتفاق نیفتد، به مسیر رشد یا نوسانات خود ادامه می‌دهند. به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران معتقدند که نقطه آغاز یک اصلاح یا ریزش

جدید، بیش از آنکه صرفاً اقتصادی باشد، معمولاً با یک بحران یا رویداد ژئوپلیتیک همراه می‌شود.

در حال حاضر، جهان با بحران‌های متعددی دست‌وپنجه‌نرم می‌کند؛ از جنگ‌های منطقه‌ای، نااطمینانی‌های ژئوپلیتیک، سیاست‌های سخت‌گیرانه پولی فدرال‌رزرو، بحران بدهی در بازارهای نوظهور و تهدید رکود اقتصادی در اروپا و چین. در چنین فضایی، یک رویداد پیش‌بینی نشده می‌تواند به‌راحتی زمینه‌ساز فعال شدن سیگنال این شاخص و آغاز یک چرخه نزولی شود.

نقش رویدادهای ژئوپلیتیک در بازارهای مالی

واقعیت این است که بازارهای مالی همیشه نیازمند یک «بهبان» برای آغاز اصلاح یا ریزش هستند. این بهانه می‌تواند سیاست‌های جدید بانک‌های مرکزی باشد یا تحولات ژئوپلیتیکی مانند افزایش تنش‌ها در خاورمیانه، بحران تایوان یا حتی افزایش تعرفه‌های تجاری بین قدرت‌های اقتصادی جهان.

در حال حاضر، تحلیلگران بسیاری هشدار می‌دهند که بازارها وارد دوره‌ای شده‌اند که بیش از گذشته تحت تأثیر اخبار سیاسی و ژئوپلیتیک قرار دارند. تجربه تاریخی

به دنبال راهی برای عدم استثمار نیروی خلاق

هوش مصنوعی غیرمتمرکز و آینده بازار کار

هوش مصنوعی غیرمتمرکز چه کاری می‌تواند برای سازندگان انجام دهد

مسیر دیگری نیز وجود دارد. هوش مصنوعی غیرمتمرکز یا DeAI، یک جایگزین ساختاری ارانه می‌دهد. این سیستم حقوق و انتساب را در خود سیستم‌ها جاسازی می‌کند. این یک راه حل جادویی نیست؛ اما به وضوح قانونی، پذیرش گسترده و حاکمیت قوی بستگی دارد و می‌تواند یک مشکل اساسی را حل کند؛ سازندگان اغلب از پلتفرم‌ها و ابزارهایی که به کار آن‌ها متکی هستند، کنار گذاشته می‌شوند. هوش مصنوعی غیرمتمرکز انتساب را قبل برنامه‌ریزی می‌کند. یک سازنده داده‌ها را آپلود می‌کند، شرایط استفاده را تعریف می‌کند و آن شرایط را به قراردادهای هوشمند متصل می‌کند. این قراردادها به‌طور خودکار تعیین می‌کنند که چه کسی می‌تواند به داده‌ها دسترسی داشته باشد، چگونه می‌توان آن استفاده کرد و تحت چه شرایطی. آهنگی که با صدای شما بدون مجوز آموزش داده شده است، می‌تواند قبل از اینکه کسی آن را پخشند، علامت‌گذاری و مسدود شود.

این در حال حاضر در این زمینه اتفاق می‌افتد. استارت‌آپ MyShell که هوش مصنوعی صوتی چند زبانه را می‌سازد، از پلتفرم صحرای تپه ده‌ها هزار کلیپ صوتی به روشی غیرمتمرکز استفاده کرد. آن‌ها به جای خراشیدن پیتویپ یا استخدام یک استودیو، نمونه‌ها را از مشارکت‌کنندگان در سراسر جهان با ردیابی، انتساب و جبران خسارت با استفاده از سوابق و تجربی‌های جمع‌آوری کردند. سازندگان کنترل داده‌های خود را حفظ کردند در حالی که هنوز در یک زنجیره آموزشی مقیاس‌پذیر شرکت داشتند. این شرکت در این میان، در زمان ه‌زین‌ه صرفه‌جویی کرد بدون اینکه کیفیت را به خطر بیندازد. این وعده هوش مصنوعی غیرمتمرکز است، تبادل عادلانه در نقطه داده، تصور کنید یک عکاس یک پرتره را با قوانینی پیوست شده آپلود می‌کند؛ مشاهده در پلتفرم‌های اجتماعی رایگان است، استفاده در یک پست وبلاگ ۵ دلار هزینه دارد، آموزش هوش مصنوعی بدون توافق جداگانه ممنوع است. توسعه‌دهندگان اخلاقی می‌توانند با یک کلیک مجوز آن را دریافت کنند. دسترسی به افراد به‌به‌طور خودکار رد می‌شود. این نوع دیگری از سیستم را ایجاد می‌کند، سیستمی که در آن هنرمندان مجوزدهنده هستند، نه قربانی.

هوش مصنوعی بدون فناوری بلاک چین آینده‌ای ندارد

تنها چیزی که داریم این است که احساس می‌کنیم چیزی درست نیست و هیچ توانایی‌ای برای اثبات آسان آن نداریم، چه رسد به رسیدگی به آن (فقط چند هفته پیش، به‌عنوان مثال Deepseek R۱ عا کرده که ترامپ رئیس‌جمهور قبلی آمریکا بود) فراتر از تعصب، حملات در پیش‌تهدید جدی‌تری را ایجاد می‌کنند. بازیگران مخرب می‌توانند محرک‌های پنهانی را در طول آموزش جاسازی کنند و باعث شوند هوش مصنوعی رفتارهای کند-مثلاً تصاویر یا ابالگوهای خاصی به‌اشتباه طبقه‌بندی کند-زمانی که فعال‌شود، چنین آسیب‌پذیری‌هایی رسک‌به‌خطر انداختن سیستم‌ها را در زمان واقعی، بدون هیچ راه‌حل آسانی به‌همراه دارد. گفتنی است با انسان‌تر شدن هوش مصنوعی بدترین عادات ما به ارث می‌برد؛ از جمله توانایی فریب‌خادن و سپس وقتی تحت‌شناس قرار می‌گیرد، اصرار بر دروغ.

این چیزی است که هوش مصنوعی در تولید تصویر انجام می‌دهد. چیز دیگر این است که یک الگوریتم راندنگی خودکار یک علامت‌ایست را نادیده بگیرد و این حتی بدترین چیزی نیست که می‌تواند زمانی رخ دهد که هوش مصنوعی اشتباه کند.

یک بازی پرمخاطره

در زمینه‌های حیاتی مانند هوانوردی و رباتیک، هوش مصنوعی قابل اعتماد غیر قابل مذاکره است. هوانوردی به‌طور فراینده‌ای به هوش مصنوعی برای مدیریت ترافیک هوایی، نگهداری پیش‌بینی‌کننده و سیستم‌های خلبان خودکار متکی است. یک اشتباه در اینجا به دلیل الگوریتمی مغرضانه یا هک‌شده می‌تواند مرگبار باشد. درحالی‌که هوش مصنوعی در پیش‌بینی خرابی‌های مکانیکی عالی و میلیاردها دلار در زمان خرابی صرفه‌جویی می‌کند، قابلیت اطمینان آن مستلزم نظارت است. ابزار هوش مصنوعی هوش مصنوعی در هوانوردی می‌تواند از کار بیفتد و در صورت آموزش روی مجموعه‌های معیوب، داده‌ها را به‌اشتباه تفسیر کنند. ایمنی عمومی به هوش مصنوعی شفاف و پاسخگو بستگی دارد. بدون آن، اعتماد و زندگی در خطر است. زمانی که خودروها برای اولین بار اختراع شدند، حوادث غیر معمول نبودند، اما به دلیل سرعت کم و کمبود وسایل نقلیه در جاده‌ها به‌ندرت مرگبار بودند اما هنگامی که صنعت خودرو به سرعت گرفت و موتورها قدرتمندتر شدند، اقدامات ایمنی برای کاهش حوادث رانندگی مورد نیاز بود. هوش مصنوعی در حال حاضر در مرحله مدل T است: یک تغییردهنده بازی. اما یکنی که شکل نهایی آن هنوز محقق

نشان داده است که بزرگ‌ترین اصلاح‌های بازار، اغلب در سایه همین تحولات و بحران‌ها آغاز شده‌اند.

جمع‌بندی و چشم‌انداز پیش‌رو

شاخص وارن بافت امروز به‌فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران این هشدار را می‌دهد که بازارهای مالی جهانی، به‌ویژه بورس آمریکا، در وضعیتی شکننده و آسیب‌پذیر قرار دارند.

هرچند این وضعیت می‌تواند برای مدتی ادامه یابد، اما سابقه تاریخی این شاخص نشان می‌دهد که چنین شرایطی نمی‌تواند برای همیشه پایدار بماند و دیر یا زود به یک اصلاح سنگین ختم خواهد شد.

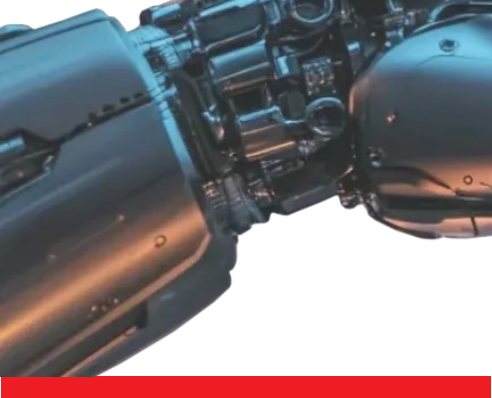
در چنین شرایطی، توصیه به فعالان بازار این است که بیش از هر زمان دیگری نسبت به مدیریت ریسک، متنوع‌سازی پرتفوی، و پایش دقیق تحولات سیاسی و اقتصادی حساس باشند. همچنین در تحلیل روندهای آینده، در کنار شاخص‌های مالی، به رویدادهای ژئوپلیتیکی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیگنال‌های هشدار توجه ویژه داشته باشند.

اما این خطرات در حال حاضر در چشم انداز مبهم و استخراجی هوش مصنوعی امروزی وجود دارد. تفاوت این است که هوش مصنوعی غیرمتمرکز، در بهترین حالت خود، به سازندگان اجازه می‌دهد تا به شکل دهی ابزارهایی که کار آن‌ها را اداره می‌کنند کمک کنند.

اقتصاد خلاقانه بعدی

میلیون‌ها نفر در تلاش‌سند تا از طریق کار خلاقانه زندگی پایدار بسازند. برای نسل زد و جوان‌ترهای هزاره که بسیاری از آن‌ها از دارایی‌های سنتی محروم شده‌اند، زیر بار بدهی دانشجویی هستند و در بازارهای کار ناپایدار حرکت می‌کنند، توانایی مشارکت در مالکیت اهمیت دارد. اگر اکنون زیرساخت‌های نوپسندگی را بازسازی نکنیم، خطر قفل کردن سیستمی را داریم که به‌طور پیش‌فرض استثمار می‌کند. انتخاب بین یک مدل غیرمتمرکز بی‌عیب و نقص و مدل فعلی نیست. این بین سیستمی با نقص‌های شفاف و قابل رسیدگی و سیستمی با نقص‌های مبهم و غیرقابل پاسخگویی است.

درست انجام دادن این کار به چیزی بیشتر از نیت خوب نیاز دارد. سازندگان و اصناف آن‌ها باید شروع به استانداردسازی هویت دیجیتال و ثبت دارایی کنند، توسعه‌دهندگان باید سیستم‌های باز و قابل تعامل را به جای پلتفرم‌های بسته در اولویت قرار دهند. سیاست‌گذاران باید حمایت‌های قانونی از هنر مندانی که آثار خود را در زنجیره ثبت می‌کنند، ایجاد کنند و آن ثبت‌ها را با همان اقتدار دفاتر حق چاپ سنتی به رسمیت بشناسند. کار خلاقانه شایسته حمایت است. مشارکت باید پاداش داده‌شود. استثمار نباید وجود داشته باشد.



به تنهایی عدالت را ایجاد کند. مانند هر سیستمی، به این بستگی دارد که چه کسی آن را می‌سازد، چه کسی آن را نگهداری می‌کند و چه کسی از آن سود می‌برد.

مصنوعی بدون حکومت‌داری مناسب خطر سرکشی را دارد و تصمیمات غیر قابل‌ردیابی می‌گیرد که از بررسی رار می‌کنند. بلاک‌چین با ساختار حکومت‌داری غیرمتمرکز که پاسخگو و (باز هم همان کلمه) قابل تأیید است، با این امر مقابله می‌کند. قراردادهای هوشمند می‌توانند استانداردهای اخلاقی را رمزگذاری کنند و انصاف و شفافیت را در توسعه هوش مصنوعی اعمال کنند. آن‌ها می‌توانند داده‌های آموزشی بی‌طرفانه را اجباری کنند یا عدم انطباع را علامت‌گذاری و استقرار یک مدل را تا زمان رفع آن متوقف کنند. بلاک‌چین همچنین به‌ذی‌نفعان مانند توسعه‌دهندگان و کاربران امکان می‌دهد که در حکومت‌داری شرکت کنند و برای شکل دادن به قوانین هوش مصنوعی رای دهند. این نظارت جمعی از زیاده‌روی خودمختار جلوگیری می‌کند و پاسخگویی را در جایی که سیستم‌های سنتی کوتاهی می‌کنند، تقویت می‌کند.

یک رابطه هم‌زیستی درحالی‌که بلاک‌چین فناسوری ابتدایی برای رفع فاحش‌ترین نقص‌های هوش مصنوعی است، این رابطه‌ای است که در هر دو جهت کار می‌کند. هوش مصنوعی به نوبه خود جهان زنجیره‌ای را به مکانی امن‌تر، کارآمدتر و در نهایت سودآورتر برای کار و بازی تبدیل می‌کند؛ اما این یک و بلاک دیگر برای زمان دیگری است. آنچه در حال حاضر مهم است این است که اگر هوش مصنوعی قرار است پتانسیل کامل خود را محقق کند، نه تنها از بلاک‌چین سود می‌برد- بلکه به آن نیاز دارد. در غیر این صورت تمام مشکلاتی که با هوش مصنوعی بسته‌بندی شده‌اند - تعصب، درهای پشتی و الگوریتم‌های مبهم که از کنترل خارج می‌شوند، پیشرفت را تهدید می‌کنند. با ثبت عملکردهای داخلی هوش مصنوعی در دفترهای کل تغییرناپذیر، بلاک‌چین به‌طور مستقیم با تعصب و دستکاری مقابله می‌کند، درحالی‌که در عرصه‌های پرمخاطره مانند هوانوردی، ایمنی و اطمینان را تقویت می‌کند. اگر هوش مصنوعی ناظر است، پایگاه‌های داده ما را اسکن می‌کند و سیستم‌ها ما را تجزیه و تحلیل می‌کند. بلاک‌چین ناظری است که بر آن نظارت می‌کند. هوش مصنوعی جهان را به مکانی بهتر و هوشمندتر تبدیل می‌کند و هنگامی که اقدامات و ورودی‌های آن در دفترکل تغییرناپذیر بلاک‌چین ثبت می‌شود، آن را به مکانی عادلانه‌تر و بازتر نیز تبدیل می‌کند.